

مطالعه تطبیقی اخلاق اقتصادی در مذاهب پروتستانیسم و شیعه

هادی نوری / استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه گیلان / h.k.noori@gmail.com
نیما میوه‌چی / کارشناس ارشد جامعه‌شناسی از دانشگاه گیلان / nima.mivehchi@gmail.com
تاریخ وصول: ۱۳۹۳/۱۲/۲۷ / تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۹۴/۱۰/۲۴

چکیده

پژوهش حاضر، این مسأله را بررسی می‌کند که تفسیر ماکس وبر از اسلام، با حکم ویژه او درباره پروتستانیسم ارتباط بسیار ضعیفی دارد. بر این اساس، پرسش علمی پژوهش حاضر این است که «اخلاق اقتصادی موجود در پروتستانیسم (در چارچوب نظریه اخلاق پروتستانی وبر) تا چه اندازه با اخلاق اقتصادی مذهب شیعه قابل مقایسه است؟» از این جهت، روش پژوهش از نوع مقایسه‌ای بوده که دنبال یافتن وجوه تفاوت و تشابه این مذاهب در مقوله اخلاق اقتصادی است. بر این اساس، هفت شاخص از تز اخلاق پروتستانی وبر استخراج گردیده و به عنوان مبنای مقایسه اخلاق اقتصادی از آن استفاده شده است. یافته‌های این پژوهش، نشان می‌دهد که اخلاق اقتصادی در پروتستانیسم و تشیع بر مبنای نظریه ماکس وبر، فاقد انطباقند.

کلیدواژه‌ها: اخلاق اقتصادی، سرمایه‌داری، پروتستانیسم، وبر، اسلام، شیعه.

مقدمه

باورداشت‌های مذهبی و اسطوره‌ها، نقشی اساسی در ادراک انسان از زمان و مکان و نظرهای ما درباره رفتار خودمان و دیگران دارند. دین نه تنها الگوی جهان است، بلکه الگویی رمزگونه برای جهان نیز فراهم می‌سازد؛ یعنی طرحی از آن چه جهان باید باشد، به دست می‌دهد. لذا مذهب می‌تواند راهنمایی برای رفتار بشر، از روابط خانوادگی گرفته تا ایدئولوژی گروه‌های حاکم، فراهم سازد و این کار را غالباً نیز انجام می‌دهد. (بیتس و پلاگ، ۱۳۸۷، ص ۶۶۹) هر نظام دینی، به تعریف یک جهان ذهنی و فکری می‌پردازد تا از آن طریق، افراد و اجتماعات، در جامعه‌ای معین، تصور خاصی از انسان و جهان داشته و آن را بیان کنند. از این رو اگر جامعه‌شناسی دین، حد و حدود خود را صرفاً به بررسی تشکیلات و سازمان‌های دینی و اعضای آن‌ها محدود می‌ساخت و بررسی دین در داخل تمدن‌ها و فرهنگ‌ها را نادیده می‌گرفت، بسیار بی‌کفایت می‌گردید. (ویلیم، ۱۳۸۶، ص ۱۷۸)

بیان مسأله

جامعه‌شناسی دین، میان دین و دیگر بخش‌های جامعه پیوند قائل می‌شود؛ مانند بررسی رابطه بین مذهب و توسعه اقتصادی بر اساس یک رابطه علت و معلولی. (گلدتروپ، ۱۳۷۰، ص ۳۱۷) پروتستانتیسم و شیعه، از جمله مذاهب مرتبط با بحث تغییرات اجتماعی و اقتصادی مذاهب هستند. در مورد آموزه‌های پروتستانتیسم، ماکس وبر، چنین نظر داده که پروتستانتیسم، نقشی کلیدی در خاستگاه‌های فرهنگی سرمایه‌داری «نوین» ایفا کرد. (سیدمن، ۱۳۸۸، ص ۷۴) وبر محیطی فرهنگی در جوامع اروپا یافت که به ظهور سرمایه‌داری مدرن کمک کرد. این فرهنگ برای سخت‌کوشی، صرفه‌جویی، به تعویق انداختن کام‌جویی، گردآوری ثروت بدون مصرف تجملی و مباحثات به توفیق اقتصادی، اهمیت قائل بود. (همان، ص ۷۳-۷۴) از این جهت، او اعتقاد داشت که سرمایه‌داری مدرن، بدون ایستارهای روان‌شناختی خاص شکل نگرفته است.

بحث و بر درباره تأثیر آیین پروتستان بر توسعه غرب، جزئی از تلاش جامع برای درک تأثیر مذهب بر زندگی اقتصادی و اجتماعی در فرهنگ‌های مختلف است. و بر با تحلیل ادیان شرقی، نتیجه می‌گیرد که آن‌ها موانع عبور ناپذیری در برابر توسعه سرمایه‌داری صنعتی، آن‌گونه که در غرب رخ داد، فراهم کردند. (گیدنز، ۱۳۸۵، ص ۵۰۶) او بیش‌تر به آن‌چه آن را ادیان جهانی نامیده، توجه داشت. او مطالعات مفصلی درباره آیین‌های هندو، بودا، تائو و دین کهن یهود انجام داد و در کتاب *اخلاق پروتستانی و روح سرمایه‌داری* و مقالات دیگرش، به طور گسترده، مطالب زیادی درباره تأثیر مسیحیت بر تاریخ غرب نوشت. اما نتوانست مطالعه طراحی‌کرده خود را درباره اسلام به پایان برساند. (همان، ص ۵۰۵) در این زمینه، هیچ سابقه عمده‌ای از جامعه‌شناسی اسلام و پژوهش جدید در زمینه آن وجود ندارد و انتشار مطالب درباره مباحث اسلامی در حداقل است. لذا بیش‌ترین مطالعات تطبیقی جامعه‌شناختی، به طرف ترکیباتی مثل مسیحیت و بودیسم، مسیحیت و یهودیت و یا هندوئیسم و بودیسم سرازیر شده است. (ترنر، ۱۳۹۰، ص ۲)

از طرف دیگر، نوعی برخورد دوگانه در اندیشه و بر درباره روح سرمایه‌داری به چشم می‌خورد. او با شناسایی مؤلفه‌هایی در آیین پروتستان (سخت‌کوشی، صرفه‌جویی، گردآوری ثروت بدون مصرف تجملی و مباحثات به توفیق اقتصادی)، آن‌ها را خاستگاه و آن‌چه به سرمایه‌داری منجر شده، معرفی می‌کند؛ البته به عنوان شرط ضروری، نه شرط کافی. اما به عقیده برایان ترنر، در بررسی و بر درباره اسلام، ویژگی وراثتی (پاتریمونیال) نهادهای سیاسی مسلمانان مانع ظهور پیش‌شرط‌های سرمایه‌داری یعنی قانون عقلانی، بازار کار آزاد، شهرهای مستقل، اقتصاد پولی و یک طبقه بورژوا شد. و بر سعی کرد نشان دهد که اسلام به‌عنوان دین جنگاوران، اخلاقی ایجاد کرد که با روح سرمایه‌داری ناسازگار بود. (همان، ص ۳-۴) تفسیر و بر از اسلام، با حکم ویژه او درباره «کالوین‌گرایی» که آن را اولین بار در *اخلاق پروتستانی و روح سرمایه‌داری* بیان کرد، ارتباط بسیار ضعیفی دارد (همان، ص ۱۰).

در واقع، مقایسه اسلام و پروتستانیسم در زمینه روح سرمایه‌داری، بر اساس معیار و مؤلفه‌های یکسانی صورت نگرفته است.

گفته شد که پژوهش حاضر، مقایسه اخلاق اقتصادی در مذاهب شیعه و پروتستانیسم را پی می‌گیرد. مسأله پژوهش، این است که مؤلفه‌های شناسایی شده توسط وبر در آیین پروتستان، به عنوان خاستگاه فرهنگی انباشت سرمایه تا چه اندازه در متون مذهبی شیعه دیده می‌شود. به ویژه آن‌که نه تنها مطالعات وبر درباره اسلام ناتمام ماند، بلکه در بررسی خود نیز هیچ اشاره‌ای به شیعه به عنوان شاخه‌ای از اسلام نکرده است. بر این اساس، پرسش علمی پژوهش حاضر این است که اخلاق اقتصادی موجود در پروتستانیسم تا چه اندازه با اخلاق اقتصادی مذهب تشیع قابل مقایسه است؟

هدف از طرح این پرسش، توصیف مقایسه‌ای است بین پروتستانیسم و مذهب تشیع در زمینه اخلاق اقتصادی و آموزه‌هایی که می‌توانند به‌طور مستقیم و غیرمستقیم، به رفتار اقتصادی از نوع سازگار با اقتصاد جدید منجر گردند. در واقع، مذهب تشیع بر اساس مؤلفه‌های شناسایی شده توسط وبر در آیین پروتستانیسم، مقایسه می‌گردد و این امر، به نوعی به آزمون کشیدن نظریه وبر درباره ارتباط بین روح سرمایه‌داری و پروتستانیسم است. لذا هدف پژوهش حاضر، توصیفی است برای نشان دادن وجوه تشابه و تفاوت آموزه‌های اقتصادی تشیع و پروتستان.

پیشینه پژوهش

لیونل رابینز (Lionel Robbins) در سال ۱۹۳۲، برای نخستین بار مدعی شد که تمایز فلسفی میان «ارزش» و «واقعیت»، به افزایش شکاف میان «اخلاق» و «اقتصاد» می‌انجامد. در نتیجه، مقوله اخلاق و اقتصاد و اهمیت اصول اخلاقی و ارزش‌های انسانی در علم اقتصاد و روابط اقتصادی، وارد عرصه‌های نظری شد. (هملین، ۱۳۸۶، ص دیباچه) «جوزف کیتاگاوا» نیز در مقاله «تأملاتی درباره اخلاق کار در ادیان آسیای شرقی» (۱۳۷۸)، بدین موضوع می‌پردازد که انضباط مذهبی در ژاپن، توانسته بود انگیزه و محرک اقتصادی فراهم کند. یحیی فوزی در مقاله «مذهب و توسعه در ایران: بررسی سه دیدگاه پس از انقلاب

اسلامی ایران» (۱۳۷۸)، در پاسخ به این پرسش که مذهب تا چه اندازه در اهداف و یا راهکارهای توسعه در ایران نقش دارد، معتقد است نگرش بومی-مذهبی به توسعه به سه دیدگاه فرعی تر تقسیم می‌شود که تنها یکی از این دیدگاه‌ها توانایی نظریه‌پردازی برای مبانی توسعه، بومی در کشور را دارد. بر این اساس، دیدگاه سوم بین دو دیدگاه پیشین قرار می‌گیرد و می‌توان آن را دیدگاهی «اعتدالی» نامید.

«جین پل بالداجینو» مقاله‌ای با عنوان «اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری کره‌ای» (۲۰۱۲) به رشته تحریر درآورد که در آن از یک رویکرد تاریخی و قوم‌نگارانه درباره پیشرفت پروتستانیسم کره‌ای و ارتباط آن با نوسازی کشور کره و توسعه سرمایه‌داری استفاده می‌کند. به اعتقاد نویسنده، گسترش چشم‌گیر پروتستانیسم در کره جنوبی، به بستر فرآیندهای نوسازی تبدیل شده است. اکتشاف قوم‌نگارانه ماهیت پروتستانیسم کره‌ای، نشان می‌دهد که آموزه‌های دینی پیوریتانیسم، نوعی «قرابت‌گزینی» با اخلاق سرمایه‌داری دارد.

کتاب «مارشال» با عنوان *کالونیسیم و گسترش سرمایه‌داری در اسکاتلند* (۱۹۸۰)، از جمله معدود تلاش‌های انجام شده در جهت اثبات یا رد تجربی نظریه وبر درباره اخلاق پروتستانی است. وی کوشید چیزهایی را در اسکاتلند در قرن‌های شانزدهم و هفدهم میلادی نشان دهد که وبر برای اثبات ادعایش به صورت تجربی می‌بایست نشان می‌داد. مارشال کشف کرد موعظه‌های کشیشان اسکاتلندی در این دوره، سرشار از همان محتوایی است که وبر ترسیم کرده بود. به نظر می‌رسید سرمایه‌داران اسکاتلندی نیز فعالیت‌های کاری‌شان را بر وفق روح سرمایه‌داری انجام می‌دادند. (همیلتون، ۱۳۹۰، ص ۲۶۰)

«ورنر زومبارت» هم در کتاب *یهودیان و حیات اقتصادی مدرن* (۱۳۹۰)، به بیان این دیدگاه می‌پردازد که یهودیان به واسطه باورهای دینی خود، نقش مهمی در ظهور روح سرمایه‌داری مدرن ایفا کردند. در واقع این کتاب، پاسخی بود از جانب زومبارت به وبر درباره تز اخلاق پروتستانی و روح سرمایه‌داری. زومبارت معتقد است که یهودیان به دلیل

پیروی از اخلاقیات دینی خویش، یکی از عوامل تکوین سرمایه‌داری جدید هستند. وی حتی در این اثر، ادعا می‌کند که منظور از آنچه پیوریتانیسم خوانده می‌شود، در واقع یهودیت بوده است. (زومبارت، ۱۳۹۰، ص ۲۰۲)

در ارزیابی انتقادی پژوهش‌های یادشده باید گفت که عموماً یا فاقد بنیان مقایسه‌ای هستند و یا نقش کم‌رنگی در حوزه جامعه‌شناسی دین ایفا کرده‌اند. تأکید وبر بر «قربت‌گزینی» هنوز به‌طور قاطع رد نگردیده است. لذا مطالعه تطبیقی میان یک دین با مؤلفه‌های مورد شناسایی وبر درباره پروتستانتیسم، در حوزه رابطه میان دین و اقتصاد اولویت دارد. این کمبود را به‌طور ویژه می‌توان در مورد مطالعه مقایسه‌ای بین مذاهب شیعه و پروتستان شاهد بود.

فرضیه پژوهش

در پژوهش حاضر، آموزه‌های پروتستانی به عنوان یک معیار و ارزش تلقی نشده است. این نگاه وجود ندارد که آموزه‌های شیعه باید با تز اخلاق پروتستانی متناسب گردد. لذا پژوهش حاضر، در چارچوب مطالعه تطبیقی، صرفاً یک آزمون تئوریک برای تز اخلاق پروتستانی وبر درباره مذهب شیعه است. از این جهت، فرضیه پژوهش حاضر عبارت است از: «آموزه‌های اقتصادی شیعه، با آموزه‌های اقتصادی پروتستانتیسم منطبق نیست».

روش پژوهش

مطابق نظر چارلز ریگین، روش‌های پژوهش به سه دسته کمی، کیفی و تطبیقی تقسیم می‌شوند. (ریگین، ۱۹۹۴، ص ۷۷) در پژوهش حاضر، از روش تطبیقی استفاده شده است. اصطلاح روش تطبیقی در علوم اجتماعی، به معنایی محدودتر و برای اشاره به نوع خاصی از مقایسه - مقایسه واحدهای اجتماعی کلان - به‌کار گرفته می‌شود. بر این اساس، روش تطبیقی، شاخه‌ای از علوم اجتماعی است که به تفاوت‌ها و شباهت‌های بین جوامع

علاقه‌مند است. (ریگین، ۱۳۸۸، ص ۳۱) مقایسه را می‌توان برای تعمیم، آزمون نظریه و یا نشان دادن منحصر به فردی یک پدیده یا رویداد به کار گرفت. (اسکاچپول، ۱۳۸۸، ص ۴۹۹) مقایسه در پژوهش حاضر، آزمون نظریه را بر عهده دارد.

مطابق نظر ریگین، دو رویکرد در روش تطبیقی وجود دارد: رویکرد مورد محور و رویکرد متغیر محور. رویکرد دوم، نظریه‌مدار است و بیش‌تر به بررسی تناظر میان روابط شناسایی شده در جوامع و کشورها، و تصوراتی می‌پردازد که نظریه‌ها از پدیده‌های اجتماعی کلان ارائه می‌کنند. (ریگین، همان، ص ۹۱) روش‌های مورد محور، روش‌های تطبیقی کلاسیک به شمار می‌آیند. این روش‌ها، برای بررسی جامع موارد و پدیده‌های مشخص تاریخی طراحی شده‌اند و آشکارا محصول یکی از اهداف اصلی جامعه‌شناسی تطبیقی هستند. (همان) رویکرد مورد محور، می‌کوشد تا از طریق شناسایی نمونه‌های قابل مقایسه پدیده مورد علاقه، به تحلیل شباهت‌ها و تفاوت‌های دارای اهمیت نظری بپردازد. در رویکرد مورد محور، اغلب فرایند شناسایی شباهت‌ها و تفاوت‌های مهم دشوار است. بنابراین، امکان دارد «تفاوتی موهوم» میان دو پدیده بینیم اغلب که وقتی در سطح انتزاعی‌تری نگریسته می‌شود، در واقع علتی یکسان است. هم‌چنین امکان دارد دو مورد ظاهراً دارای ویژگی مشترکی باشند که پژوهش‌گر آن را به مثابه ویژگی مشترک شناسایی کند؛ حال آنکه این ویژگی‌های ظاهراً مشترک، اهمیت علی کاملاً متفاوتی داشته باشند. اشتراک موهوم، زمانی بروز می‌کند که دو ویژگی، ظاهراً متشابه ولی دارای آثار متفاوتی باشند. تفاوت و تشابه موهوم هر دو، بر شناخت تفاوت‌ها و شباهت‌های پنهان تأثیر می‌گذارند. (همان، ص ۸۱-۸۴) روش تطبیقی در پژوهش حاضر، مورد محور است.

روش‌های گردآوری داده‌ها، به دو دسته کمی و کیفی تقسیم می‌شوند. «بلیکی» انواع روش‌های گردآوری داده‌های کمی را «مشاهده ساخت یافته»، «پرسش‌نامه خودتنظیم»، «مصاحبه ساخت یافته» و «روش اسنادی» نام می‌برد و انواع روش‌های گردآوری کیفی را «مشاهده مشارکتی»، «مشاهده نیمه ساخت یافته»، «مصاحبه کانونی» و «روش اسنادی»

معرفی می‌کند. (بلیکی، ۱۳۹۰، ص ۳۰۲) روش گردآوری در پژوهش حاضر از نوع اسنادی است. دو گونه متداول روش اسنادی در پژوهش اجتماعی عبارتند از: گردآوری داده‌های آماری و گردآوری اسناد مکتوب، درباره اسناد مکتوب عمدتاً به واقعی بودن اسناد، درستی اطلاعات مندرج در آن‌ها و هم‌چنین به انطباق میدان زیر پوشش اسناد موجود و میدان تحلیل پژوهش توجه می‌شود. (کیوی و کامپنهود، ۱۳۷۶، ص ۱۹۶-۱۹۸)

«رابرت کی. بین» از سه راهبرد کلی در مورد روش تحلیل داده‌ها صحبت می‌کند که عبارتند از: تطبیق الگوها، تبیین‌سازی و توالی زمانی. (بین، ۱۳۷۶، ص ۱۶۷) در پژوهش حاضر، از شیوه «تطبیق الگو» استفاده می‌شود؛ بدین شکل که تز اخلاق پروتستانی وبر، الگوی پیش‌بینی‌شده پژوهش حاضر است و این تز با الگوی تجربی آموزه‌های شیعه مقایسه می‌شود تا تطبیق میان الگوی نظری با الگوی تجربی حاصل گردد. بدین ترتیب، بر اساس شاخص‌های تز اخلاق پروتستانی، وجوه تشابه و تفاوت میان اخلاق پروتستانی و آموزه‌های شیعه به عنوان الگوهای پیش‌بینی‌شده و تجربی آشکار می‌شود.

شاخص‌های تز اخلاق پروتستانی

تز وبر این بود که پویایی شیوه تولید «سرمایه‌داری»، با ویژگی کار و خویشتن‌داری برگرفته از دین مرتبط است و آنان در یک حالت تبدلی با یک‌دیگر قرار دارند. او خویشتن‌داری را نوعی ریاضت خواند و این ویژگی را به‌طور خاص، ویژگی اعضای فرقه پروتستان دانست. وبر با توجه به این رابطه فرضی بین یک نظام اقتصادی خاص و دین خاص، مدعی کشف «قرابتی گزینشی» بود که به ما کمک می‌کند تا یکی از دلایل پیدایش سرمایه‌داری مدرن را بشناسیم. وبر منکر ارائه ارتباطی علت و معلولی برای ظهور و پیدایش سرمایه‌داری بود و از این نکته اغلب غفلت می‌شود. با این همه، وی معتقد بود که یکی از عوامل تسهیل‌کننده و پشتیبان اقتصادهای پویا و بازارگرا (مانند غرب) در جنبش دین‌پیرایی و نظام‌های اعتقادی ضد سنتی نهفته است. ایجاد ثروت در این نظام‌های اعتقادی، یک تکلیف محسوب می‌شود و

متعهد بودن به «تکلیف» یا «حرفه»، وظیفه‌ای بی‌چون و چرا و به معنای برآوردن خواست‌ها و نیازهای اخلاق عملی و تحقق شیوه زندگی است. این عقیده تکلیف که در اصل به معنای جست‌وجو برای یافتن رستگاری دینی است، در طول زمان، معنایی گسترده‌تر یافته و به معنای جست‌وجو برای یافتن موفقیت و شهرت مادی درآمده است. (استونز، ۱۳۹۰، ص ۵۹) بر اساس نظریه اخلاق پروتستانی وبر، شاخص‌های ذیل برای مقایسه با آموزه‌های شیعه استخراج می‌گردند:

الف) تأکید بر کار و تلاش به عنوان یک ارزش

کار و حرفه در پروتستانیسم، اهمیت خاصی دارد. به اعتقاد آنان، انجام دادن وظیفه به منظور گذران معاش و امور دنیوی، عالی‌ترین فعالیتی است که انسان می‌تواند در این جهان دون انجام دهد. بدین‌گونه، ناگزیر فعالیت روزانه زندگی، معنایی مذهبی یافت و معنای (دعوت یا رسالت) برای کلمه «تکلیف» از همین جا سرچشمه می‌گیرد. این معنا بیان یک جزم یا حکم دینی است که در تمام فرقه‌های پروتستانی وجود دارد. یگانه وسیله زندگانی چنان که موجب رضای خداوند باشد، نه ترک روحیه زندگی دنیوی از طریق ریاضت و چله‌نشینی خانقاهی و صومعه‌ای، بلکه فقط انجام دادن وظایف دنیوی متناسب با جایگاهی است که برای فرد در جامعه تعیین شده است. (وبر، ۱۳۸۸، ص ۶۵-۶۶) کار فراتر از این‌هاست و به ویژه حتی هدف، زندگی را مطابق تقدیر الهی تشکیل می‌دهد. (همان، ص ۱۲۷) فقط فعالیت، بر جلال الهی می‌افزاید و بیکاری ناپسند تلقی می‌گردد. (همان، ص ۱۲۶) فرد ثروتمند نیز نباید بدون کار کردن روزی بخورد، حتی اگر برای رزق خود نیازی به کار نداشته باشد. (همان، ص ۱۲۷) عشق به هم‌نوع که در خدمت انحصاری کبیریای خالق باشد و نه مخلوق، در درجه نخست با انجام دادن وظایف شغلی تحقق می‌یابد. بدین‌سان جنبهٔ مطلقاً بیرونی و عینی و غیرشخصی خدمتی پیدا می‌کند که به سود سازمان معقول جهان اجتماعی پیرامون ما انجام می‌گیرد. (همان، ص ۸۸)

در آیین پروتستانتیسم، کار خستگی‌ناپذیر در یک شغل، به عنوان بهترین وسیله دستیابی به اعتماد به نفس برای رستگار شدن توصیه شده است. فقط کار، تردید مذهبی را زایل می‌کند و یقین به رحمت حق را به وجود می‌آورد. (همان، ص ۹۱) ارج‌گذاری مذهبی به کار بی‌وقفه در یک شغل دنیوی، چونان والاترین وسیله پرهیزکاری و مطمئن‌ترین دلیل احیای معنوی فرد، توانست نیرومندترین اهرم را برای گسترش روح سرمایه‌داری به وجود آورد. (همان، ص ۱۳۷)

ب) پرهیز از تجمل‌گرایی

پرهیز پروتستانی، به مخالفت با بهره‌جویی دلخواهانه فرد از توان مالی خویش برخاست و مصرف اشیاء تجملی را متوقف ساخت. در آیین پروتستانتیسم، مبارزه با وابستگی به نعمت‌های بیرونی قبل از هر چیز، شامل اشکال آشکار تجمل می‌شد که به عنوان پرستش مخلوق محکوم بود. (همان، ص ۱۳۶) تصور ذهنی از رفاه، به نحوی بارز مربوط به آن عرصه از مصرف است که اخلاقاً مجاز باشد. در برابر زرق و برق و ظاهر فریبی قهرمانی خودنمایانه که با شالوده اقتصادی متزلزل و ناپایدار، ظاهر آراسته را بر سادگی بی‌پیرایه و قناعت‌کارانه ترجیح می‌دهد، آرمان پروتستان‌ها، عبارت بود از رفاه استوار (بر مبنای پرهیز از تجمل) زندگی خصوصی بورژوازی. (همان) در یکی از رساله‌های مفصل پروتستانی، تأکید می‌شود که باید از هر گونه استفاده از اشیاء گران‌بها پرهیز کرد. (همان، ص ۲۹۹) برای مثال، کمال مطلوبی که «باکستر» از یک زن پاک‌دین و متمدن ذکر می‌کند، این است که چنین زنی از دو لحاظ ممسک و سخت‌گیر است: ۱. در مورد وقت خود؛ ۲. در مورد هزینه‌های تجملی. (همان، ص ۲۹۸)

ج) صرفه‌جویی

در دستگاه فکری پروتستان، همواره حدی برای قابل قبول بودن لذت به دست آمده از نعمات تمدن وجود داشت و این که برای این لذت نباید هیچ پولی پرداخت شود. انسان فقط امانت‌دار نعماتی است که خداوند با رحمت خود به او سپرده است. فرد پروتستان باید

حساب هر دینار سپرده شده به خود را داشته باشد و برای خرج آن در راه لذت کاملاً شخصی و نه شکوه خداوندی، کمترین مخاطره را حساب بکند. پرهیز پروتستانی، به طور کلی مصرف (به ویژه مصرف اشیاء تجملی) را تا حد ممکن متوقف ساخت. (همان، ص ۱۳۵) یکی از متون پروتستانی می گوید:

هر دیناری که برای خود، کودکان و دوستانان پرداخت می کنید، باید با نظارت خداوند و برای خدمت به او باشد. به دقت مراقب باش، وگرنه نفس دزدانه و شهوانی، چیزی برای خدا باقی نخواهد گذارد!

و بر در تفسیر این متن می گوید:

آن چه انسان برای مقاصد شخصی به کار می برد، ربودن دزدانه از جلال الهی است. (همان، ص ۲۹۶)

د) ارزشمند بودن وقت

از آن جا که بر اساس تعالیم پروتستان، فقط فعالیت بر جلال الهی می افزاید، نه بیکاری و لذت جویی، این آیین به پیروان خود می آموزد که برای وقت ارزش قائل شوند. بنابراین، تلف کردن وقت نخستین و اصولاً بزرگترین گناهان است. در این دیدگاه، زندگانی جز دمی بی نهایت کوتاه و پراچ نیست که باید «صرف تحکیم» برگزیدگی خاص شود. وقت بی نهایت گران بهاست؛ زیرا هر ساعتی که هدر برود، گویی از کاری ربوده شده که در ایجاد جلال الهی سهم داشته است. (همان، ص ۱۲۶) و بر در این زمینه، به متن مذهبی از باکستر اشاره می کند:

برای وقت ارزش بسیار قائل شو و هر روز بیشتر مراقب باش تا دمی از اوقات را هدر ندهی که در آن صورت کسی هستی که گویی هیچ زر و سیمی را از دست نداده ای! و هر آینه هر یک از وسوسه هایی چون تفریح بیهوده، میهمانی ها، یاوه گویی ها و زمان را به معاشرت بی سود یا خوابیدن گذراندن، ذره ای از وقت را هدر دهد، به همان نسبت بر هوشیاری و مراقبت از خویش بیفزاید» (همان، ص ۲۷۶)

ه) راست‌گویی

یک نکته مهم برای قبول عضویت فرد در یک فرقه پروتستانی، این بود که این پذیرش، به معنای صلاحیت اخلاقی و به ویژه پای‌بندی به اخلاقیات در کسب و کار بود. این امر در نقطه مقابل عضویت در کلیسایی قرار دارد که فرد عضویت آن را از خانواده‌اش به ارث می‌برد. (وبر، ۱۳۹۲، ص ۳۴۸) در پیشینه دینی و هم‌چنین اسناد ادبی فرقه‌های پروتستانی، بارها از این مسأله ابراز شادمانی می‌شود که فرزندان گناه‌کار این جهان، در کسب و کار به یک‌دیگر اطمینان ندارند، اما به حقانیت پرهیزکاران متدین اطمینان کامل دارند. به همین دلیل، مردم به پاک‌دینان قرض می‌دهند و پول‌هایشان را نزد آنان به امانت می‌گذارند و از مغازه‌های آنان خرید می‌کنند؛ زیرا قیمت‌ها فقط در این مغازه‌ها ثابت و عادلانه است. در واقع، یکی از دلایل موفقیت پروتستان‌ها، این بود که هرگز برای کالایی که می‌فروختند، دو قیمت مطالبه نمی‌کردند. (همان، ص ۳۵۶)

فرقه‌های پروتستانی، عقاید دینی را آگاهانه با راست‌گویی پیوند دادند و بدین ترتیب میان مذهب و این اصل سرمایه‌داری "اولیه" که می‌گوید: «صداقت بهترین سیاست است»، ارتباط ایجاد کردند. این پیوند البته فقط به فرقه‌های پروتستان منحصر نیست، اما فقط در میان این فرقه‌ها تداوم و استحکام یافته است. (همان، ص ۳۵۷) نتیجه این بود که پرهیزکاری در عرصه تولید کالاهای خصوصی، هم با دروغ‌گویی مبارزه می‌کرد و هم با حرص و آز صرفاً غریزی. (وبر، ۱۳۸۸، ص ۱۳۶)

و) مخالفت با ثروت‌اندوزی راکد (گنج‌اندوزی)

به گفته وبر، اخلاق متعارف بورژوازی، از همان آغاز در میان فرقه‌های پروتستانی متداول بوده است. از جمله کارهایی که برای چنین فرقه‌هایی ممنوع بود، جمع کردن گنج یا به عبارت ساده، تبدیل سرمایه سرمایه‌گذاری به ثروت و اندوخته ثابت بود. (وبر، ۱۳۹۲، ص ۳۵۷) در پروتستان‌تیسیم، اگر انسان به قصد این‌که بعدها به شادمانی و بی‌خیالی می‌رسد،

در پی کسب ثروت باشد، آن ثروت چیزی جز اغوای تنبلی و تمتع خطرناک از زندگانی نیست. اما به عکس تا جایی که کسب ثروت به منظور انجام دادن وظیفه شغلی باشد، نه تنها اخلاقاً مجاز است، بلکه به راستی حتی به آن فرمان داده شده است. (وبر، ۱۳۸۸، ص ۱۳۰)

پروتستانیسم، ثروت جویی به خاطر خود ثروت (ثروت راکد) را در حکم طمع‌کاری و مال‌پرستی می‌داند و محکوم می‌کند؛ زیرا به نظر وبر، ثروت به خودی خود چیزی جز هوای نفس نبود. او ثروت‌جویی را در منتهی درجه نکوهیدنی می‌یافت و در عین حال، عقیده داشت که ثروت به عنوان میوه کار شغلی، نشانه برکت الهی است. (همان، ص ۱۳۶)

بنابراین، آموزه‌های پروتستانیسم با هر نوع گنج‌اندوزی که وارد چرخه اقتصادی نمی‌شد، مخالف بود.

ز) اعتقاد نداشتن به رستگاری از طریق مناسک مذهبی

نفرت خشماگین پاک‌دینان نسبت به هر چیزی که به زعم آنان بوی «خرافات» می‌داد و علیه کوچک‌ترین مظاهر رستگاری بود، شعائر و ورد و ذکر را شامل می‌شد. (وبر، ۱۳۸۸، ص ۱۳۴) انسان زمان «نهضت اصلاح» در مهم‌ترین امر زندگی‌اش یعنی رستگاری جاوید، خود را ناگزیر می‌دید به پیشواز سرنوشتی برود که روز ازل برایش مقدر شده بود. هیچ آدابی، کلیسایی و سرانجام هیچ خدایی، نقشی در رستگاری نداشت. این حذف مطلق نقش کلیسا و مناسک دینی در راه رستگاری، تفاوتی ریشه‌ای با کیش کاتولیک پدید می‌آورد. هیچ وسیله سحرآمیزی برای جلب رحمت کسی که خداوند تصمیم گرفته بود از وی دریغ دارد، وجود نداشت. (همان، ص ۸۵)

هر جا که اعتقاد به تقدیر وجود داشت، این پرسش پیش می‌آمد: «آیا ضوابطی وجود دارد که براساس آن‌ها بتوان مطمئن شد که شخص از شمار برگزیدگان است؟» کشیشان در اعمال حرفه‌ای خویش، این دشواری‌ها را به نحوی حل کردند و از آن‌جا که باور به تقدیر، هیچ‌گونه تأویل جدیدی را تحمل نمی‌کرد، در نتیجه دو نوع توصیه کشیشی به هم مرتبط

شکل گرفت: از یک سو، خود را برگزیده شمردن در حکم وظیفه‌ای برای مؤمن دانسته شد. از سوی دیگر، برای دستیابی به این اعتماد به نفس، کار خستگی‌ناپذیر در یک شغل، رسماً به عنوان بهترین وسیله توصیه شده است. (همان، ص ۹۰-۹۱) بدین ترتیب، اعتقاد نداشتن به مناسک مذهبی در پروتستان‌تیسیم، به عنوان راهی برای رسیدن به رستگاری، به یک رفتار عملی در حوزه اقتصادی منتهی گردید.

تطبیق شاخص‌های اخلاق پروتستانی با آموزه‌های شیعه

جامعه‌شناسی دین، یکی از حوزه‌های مورد توجه جامعه‌شناسی است که به مسأله عام نقش و اهمیت دین در جامعه بشری و نیز باورداشت‌ها و عملکرد گروه‌ها و جوامع خاص می‌پردازد. (همیلتون، ۱۳۹۰، ص ۹-۱۰) بررسی رابطه اقتصاد و دین، یک بُعد از جامعه‌شناسی دین است. چارچوب نظری پژوهش حاضر، نظریه وبر درباره «اخلاق پروتستانی و روح سرمایه‌داری» است. ابتدا طرح کلی نظریه اخلاق پروتستانی و بر شرح داده می‌شود و سپس از شاخص‌های استخراج‌شده از اخلاق پروتستانی، برای مقایسه با اخلاق اقتصادی شیعه استفاده می‌گردد.

نظریه وبر

به عقیده وبر، هرگونه تبیینی برای خاستگاه عقل‌گرایی باید اهمیت بنیادی اقتصاد را بپذیرد. اما در عین حال، هم‌بستگی معکوس نیز باید ملحوظ شود؛ زیرا با آن‌که گسترش عقل‌گرایی به طور کلی به تکنیک و حقوق عقلانی بستگی دارد، به استعدادهایی هم وابسته است که انسان برای پذیرش برخی انواع رفتار عقلانی عملی دارد. موافقی که استعدادهای اخیر با موانعی معنوی برخورد کرده‌اند، گسترش رفتار اقتصادی عقلانی نیز با مقاومت‌های درونی سختی روبه‌رو شده است. مسأله از زاویه مهمی مطرح می‌شود که دستیابی به آن معمولاً از همه دشوارتر است؛ یعنی چگونه برخی باورهای دینی، موجب پیدایش «روحیه اقتصادی» و به سخن دیگر، «خوی» یک شکل خاص اقتصادی می‌شوند. برای نمونه، وی

بررسی پیوندهای میان روح زندگی اقتصادی جدید با اخلاق عقلانی پروتستان، کیشی پرهیزکارانه را در نظر گرفت. بنابراین، او تنها به یک جنبه از زنجیره علت و معلول‌ها پرداخت. (وبر، ۱۳۸۸، ص ۲۴-۲۶)

وبر انگیزشی دینی در کالونیسم می‌یابد که نه محافظه‌کارانه، بلکه انقلابی است. با این که آیین لوتری، در تضمین کار عقلانی به صورت نوعی «تکلیف» نشان از پیشرفت مهمی نسبت به آیین کاتولیک دارد، به خودی خود نشان‌دهنده گسست ریشه‌ای از سنت‌گرایی نیست. هر دو کلیسا (لوتری و کاتولیک)، متوجه شده‌اند که پیوندهای شخصی پایدار بین ارباب و رعیت، با سهولت اخلاقی بیشتری قابل کنترل است تا روابط تجاری بازار. (کسل، ۱۳۸۳، ص ۷۸)

وی به این نکته اشاره می‌کند که تقدیر ازلی، عنصر اساسی عقیده کالونیستی بود. ایده‌ای که ما از ابتدا، برای حیات ابدی یا لعن ابدی انتخاب شده‌ایم و نمی‌توانیم کاری در مورد آن انجام دهیم. رستگاری هدیه الهی است، نه دستاورد خودم. اندرزی که به فرد مؤمن داده می‌شد، این بود که به اطمینان روانی از برگزیده بودن خود از طریق تلاش کاری روزانه برسد. پاک‌دین‌ها به جای آن که گروهی از گناه‌کاران متواضع و پشیمان باشند، آدمیان صبور و به خود متکی بودند. به هر حال، کالونیست‌ها کار سخت را شیوه‌ای برای حصول اطمینان از رستگاری خود و زدودن شک می‌دانند. (کرایب، ۱۳۹۱، ص ۴۱۵-۴۱۶) به عقیده وبر، روح سرمایه‌داری که از پروتستانیسم ریاضت‌جویانه نشأت می‌گیرد، یک نوع تحول اقتصادی خاص اروپا را تحریک و تشدید کرد. آن انگیزش و جهت‌گیری در زندگی که سازنده این روح سرمایه‌داری بود، از آموزش‌های کالون سرچشمه می‌گرفت و مختص دیدگاه پروتستان‌های کالونی بود. (همیلتون، ۱۳۹۰، ص ۲۵۱)

بر اساس این نظریه، شاخص‌های هفت‌گانه اخلاق پروتستانی (که قبلاً ذکر شده است)، عبارتند از: آن دسته ویژگی‌های رفتار عملی که از آموزه‌های دینی تأثیر می‌پذیرند و از اخلاقیات توصیه‌شده پروتستانی ناشی می‌شوند. مطابق نظریه وبر، پیامد این رفتارها به حوزه اقتصاد ارتباط می‌یابد. این شاخص‌ها، اکنون در آموزه‌های شیعه بررسی و مقایسه می‌گردد:

الف) تأکید بر کار و تلاش

درباره شاخص «کار و تلاش»، متون شیعه به کار و حرفه چه به‌طور مستقیم و چه به‌صورت ضمنی تأکید و توصیه می‌کنند. تأکید مستقیم مانند این آیه قرآن: «هُوَ أَشْأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا»؛ «اوست که شما را در زمین آفرید و شما را برای آباد ساختن آن برگماشت». (سوره هود، آیه ۶۱) نیز پیامبر اسلام ﷺ که می‌فرماید: «کسب و کار پس از نماز واجب است». (بروجردی، ۱۳۸۶، ج ۲۲، ص ۸۹) امام باقر علیه السلام نیز می‌فرماید:

من با مردی که برای کار دنیای خود تنبل و کسل باشد، دشمن هستم و هرکس درباره دنیایش تنبلی کند، در مورد آخرتش تنبل‌تر است. (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۵، ص ۲۰۳)

امام جعفر صادق علیه السلام نیز می‌فرماید:

آن‌که تن به‌کار ندهد و در خانه‌اش بنشیند و از خدا روزی طلب کند، دعایش مستجاب نمی‌شود. خداوند متعال می‌فرماید: «مگر راه روزی طلب کردن را به تو نیاموختم؟» (همان، ص ۲۲۵)

به‌عبارتی، لازمه کسب روزی، فعالیت این جهانی است و این امر با دعا کردن به تنهایی میسر نمی‌شود. امام رضا علیه السلام می‌فرماید:

کسی که در طلب روزی می‌کوشد و فضل خدا را می‌جوید تا مخارج اهل و عیال خود را کفایت کند، پاداش او از مجاهد راه خدا بیشتر است. (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۵، ص ۲۰۸)

در این حدیث، نه تنها کار و تلاش جست‌وجوی فضل الهی است، بلکه پاداش آن نیز بیش‌تر از مجاهد در راه خداست.

برخی از توصیه‌های ضمنی به کار، عبارت از این حدیث پیامبر اسلام ﷺ است که می‌فرماید:

بعضی از گناهان است که جز تلاش برای معاش، آن‌ها را محو نمی‌کند. (فیض کاشانی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۱۶۵)

طبق این حدیث، کار وسیله‌ای است برای بخشش برخی گناهان و می‌تواند سبب ایجاد انگیزه کار در فرد مؤمن گردد. از آن‌جا که فقر و تنگی روزی، باعث ابتذال جاه و مرتبه می‌گردد؛ تلاش فرد برای کار و کسب روزی می‌تواند مانع این امر شود. امام صادق علیه السلام هم می‌فرماید:

بی‌نیازی‌ای که تو را از ستم به دیگران بازدارد، بهتر از فقر و تنگ‌دستی است که تو را به گناه وادارد». (ابن‌بابویه، ۱۳۶۷، ج ۴، ص ۲۲۲)

با توجه به این حدیث، اگرچه مثلاً ارث هم می‌تواند موجب بی‌نیازی فرد گردد، باید در نظر داشت اگر به جامعه در مقیاس کلان توجه کنیم، از آن‌جایی که همه افراد نمی‌توانند به واسطه ارث بی‌نیاز شوند، پس کار و تلاش فقط می‌تواند افراد را بی‌نیاز کند. باید توجه داشت که این توصیه‌ها، اندرزدانی مشروط است و ماهیتی متفاوت با سفارش به کار در پروتستانیسم دارد. در حالی که آموزه‌های پروتستانی، عطش اکتساب بی‌وقفه‌ای در پیروان خود ایجاد می‌کند که توقفی در روند آن وجود ندارد، در آموزه‌های شیعه تأکید و سفارش به کار با رعایت میانه‌روی همراه است و مشروعیت آن، به رعایت اصولی مشروط است که رفتار اقتصادی را کنترل و میانه‌رو می‌گرداند. برای مثال، امام حسن مجتبی علیه السلام به شخصی فرمود:

ای مرد! آن‌گونه که با دشمن می‌جنگی، روزی مَطْلَب و همانند انسان تسلیم‌شده به تقدیر تکیه مکن؛ زیرا ایجاد و طلب فضل و روزی، سنت است و میانه‌روی در طلب، از عفت است. (همان، ص ۱۰۳)

در این حدیث، هم عطش بی‌وقفه در کسب نهی شده و هم تسلیم به تقدیر. آن‌چه توصیه می‌گردد، میانه‌روی در کسب و کار است. امام صادق علیه السلام فرمود:

باید بیش از کسی که تنبل است و کم‌تر از کسی که در کسب روزی حریص (که به دنیایش خشنود و مطمئن است)، به طلب رزق و روزی بپردازد. باید فرد میانه‌روی باشی که از دیگران درخواست نمی‌کند. (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۵،

هم‌چنین در کتاب *فقه‌الرضا* آمده است:

در طلب روزی پرهیزکاری پیشه کن؛ در جست‌وجوی آن میانه‌رو باش و در کسب و کارت زیاده‌روی مکن! (بروجردی، ۱۳۸۶، ج ۲۲، ص ۱۰۱)

بنابراین کار و حرفه، فعالیتی است هم مورد انتظار خداوند و هم دارای پاداش از جانب او؛ در عین حال، مشروط به رعایت اصولی است که ماهیت آن را از دیدگاه پروتستان‌تیسیم درباره کار، متمایز می‌گرداند.

بر مبنای مقایسه آموزه‌های دو مذهب شیعه و پروتستان‌تیسیم، می‌توان به وجوه تشابه و تفاوت ذیل درباره اخلاق اقتصادی این دو مذهب پرداخت. از یک طرف، هم آیین پروتستان و هم مذهب تشیع بر کار و تلاش تأکید می‌کنند. سودمندی یک پیشه و میزان تأیید الهی آن، در آیین پروتستان‌تیسیم در وهله نخست با اخلاق سنجیده می‌شود؛ در وهله دوم برحسب منافع است که برای «جامعه» به بار می‌آورد و در وهله سوم (که مهم‌تر است)، برحسب امتیازات اقتصادی است (که ایجاد می‌کند). در مذهب تشیع تأکید خاصی بر تجارت شده است. برای مثال، پیامبر ﷺ فرمود: «بازرگانان راست‌گوی در قیامت با شهدا هستند. (قضاعی، ۱۳۶۱، ص ۷۸) امام جعفر صادق علیه السلام می‌فرماید:

سه کس را خدا بی‌حساب وارد بهشت می‌کند: پیشوای عادل، کاسب و تاجر راست‌گو، و پیرمردی که عمر خود را در طاعت خدا گذرانده باشد. (حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۵، ص ۵۸۵)

طبق این حدیث، شخص تاجر به شرط رعایت اصول اخلاقی مانند راست‌گویی، از جمله واردشوندگان بی‌حساب به بهشت است که این، اهمیت عمل تجارت را نشان می‌دهد؛ بنابراین، پروتستان‌تیسیم (برحسب امتیازات اقتصادی که تجارت ایجاد می‌کند) و تشیع در این حوزه، دارای تشابه هستند.

از طرف دیگر، تأکید بر کار و تلاش در پروتستان‌تیسیم، به عطش کسب ثروت بدون حد منتهی می‌گردد (البته نه ثروت‌جویی به جهت اهمیت خود ثروت)؛ زیرا ثروت به عنوان

میوه فعالیت شغلی، می‌تواند نشانه مشمول رحمت قرار گرفتن از جانب خدا باشد. به عبارت دیگر، کار و تلاش در پروتستانیسم، آزمونی برای یافتن نشانه‌های رستگاری است. در حالی که کار و تلاش در آموزه‌های شیعه، فعالیتی است که رحمت خدا را (مادی یا معنوی) به همراه می‌آورد و حالت آزمون رستگاری یا جست‌وجوی منظم، نشانه‌های رحمت را ندارد. کار و تلاش مشروط به میانه‌روی است و آموزه‌های شیعه، حرص و عطش کسب بی‌وقفه را مردود می‌داند. لذا اگرچه هر دو مذهب به لحاظ تأکید بر کار و تلاش شبیه هم هستند، تشابهی موهوم دارند و به‌طور کامل بر هم منطبق نیستند.

ب) تجمل‌گرایی

آموزه‌های پروتستانیسم، هر گونه تجمل‌گرایی را منع می‌کند؛ اما آموزه‌های شیعی آن را مردود نمی‌داند و بدان توصیه می‌کند. لذا از این حیث دارای تفاوت هستند. البته باید توجه داشت که تجمل‌پرستی در اسلام نهی شده است. پیامبر اسلام ﷺ فرمود:

هر کس بنا و ساختمانی را برای خودنمایی و شهرت برای خویش بالا برد، روز قیامت آن بنا را از قعر هفتمین طبقه زمین بر دوش کشد، در حالی که آتشی باشد شعله‌دار. سپس طوق برگردن او افکنند و وی را با آن طوق در آتش دوزخ بیندازند و هیچ چیز مانع او از این عذاب نباشد تا به قعر جهنم رسد مگر این که توبه کند. (ابن بابویه، ۱۳۶۷، ج ۵، ص ۳۱۶)

امام جعفر صادق ﷺ هم می‌فرماید:

آن چه بیش از نیاز سکونت ساخته شود، صاحب آن - در قیامت - به حمل آن مکلف می‌شود. (حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۴، ص ۲۸۲)

با این همه، تجمل‌گرایی با وسعت زندگی در ادبیات فقه شیعه فرق می‌کند. چنانکه

پیامبر ﷺ فرمود:

ای علی! زندگی خوش در سه چیز است: خانه‌ای وسیع، جفتی زیبا و اسبی کمربار یک. (مجلسی، ۱۳۶۵، ص ۹۴)

امام علی علیه السلام هم می‌فرماید:

هرگاه یکی از شما بخواهد که نزد برادر مؤمن خود رود، چنان خود را
بیاراید که برای یک نفر غریبی می‌آراید که دوست دارد او را در بهترین
هیأت ببیند. (طبرسی، ۱۳۶۵ ج ۱، ص ۱۸۴)
مطابق این حدیث، حتی روابط عادی زندگی نباید با پرهیز از آراستگی همراه باشد؛
چنان‌که امام باقر علیه السلام می‌فرماید:
خانه تنگ و محقر، زندگی را سخت و دشوار می‌سازد. (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۸،
ص ۶۰۲)

یا امام صادق (ع) می‌فرماید:

خانه وسیع مایه سعادتی است. (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۸، ص ۶۰۰)
یعنی خانه‌ای که نه برای سکونت، بلکه هدف تعدد مسکن باشد و برای تفاخر و شهرت
در جامعه بنا شود، در حکم تجمل‌پرستی است. لذا در آموزه‌های شیعی، آشکار کردن
نعمت، عملی محبوب نزد خدا و لباس فاخر پوشیدن یکی از مصادیق آن است.

ج) صرفه‌جویی

با بررسی اسناد موجود در فقه شیعه می‌توان چنین نتیجه گرفت که هر دو آیین پروتستان و
شیعه، بر صرفه‌جویی در زندگی و مخارج آن تأکید کرده‌اند. تأکید بر صرفه‌جویی در آیین
پروتستانتیسیم، بسیار سخت‌گیرانه است. چنان‌که گفته شد، همواره حدی برای قابل قبول
بودن لذت به دست آمده از نعمات تمدن وجود داشت و آن حد این بود که برای این لذت،
نباید هیچ پولی پرداخت شود که همه حوزه‌های زندگی اجتماعی را شامل می‌شد؛ مانند هر
نوع تفریح عادی از جمله: رفتن به تئاتر و حتی ورزش کردن. به عبارتی، این پرهیزکاری با
تمام نیروی خود علیه بهره‌مندی ساده و طبیعی از هستی و همه شادی‌های ممکن آن به پا
می‌خیزد.

با این همه، صرفه‌جویی در آموزه‌های شیعی، ماهیتی متفاوت با پروتستانیسم دارد. صرفه‌جویی در آموزه‌های شیعه، مترادف با میانه‌روی و اعتدال در مخارج زندگی است و حتی از صرفه‌جویی سخت‌گیرانه با عنوان خست‌ورزی و بخل یاد می‌شود. برای مثال، امام علی علیه السلام می‌فرماید:

میانه‌روی در معاش که نه اسراف باشد و نه تنگ‌گیری، افزایش فرماید و برکت دهد اندک وجه معاش را. (آقاجمال‌الدین خوانساری، ۱۳۶۶ ج ۱، ص ۱۳۹)

امام باقر علیه السلام هم می‌فرماید:

همه کمالات، در عقل معاش است که اسراف نکند و بر خود و عیال خود تنگ نگیرد، بلکه وسط را رعایت نماید. (مجلسی، ۱۴۱۴ ج ۱، ص ۱۵)

مطابق این احادیث، عدم استفاده از امکانات زندگی در صورت توانایی مالی، خساست به حساب می‌آید و رفتاری نکوهیده است. در این زمینه، امام حسن عسکری علیه السلام فرمود:

سخاوت مقدار معینی دارد و اگر بر آن افزوده گردد، اسراف است. احتیاط اندازه دارد و اگر از آن گذشت، ترس حساب می‌شود. میانه‌روی (صرفه‌جویی) محدود است و اگر از آن تجاوز کرد، بخل (خساست) به حساب می‌آید. (مجلسی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۵۳۶)

د) ارزش وقت

تأکید بر ارزش وقت و فرصت‌های زندگی و نیز توصیه به استفاده از آن، در آموزه‌های پروتستان و شیعه وجود دارد. برای نمونه، امام باقر علیه السلام فرمود:

پرهیز از به تعویق انداختن و عمل را به آینده سپردن! که این کار دریایی است که در آن بسیاری غرق شده‌اند. (مجلسی، ۱۳۶۴، ص ۱۴۸)

هم‌چنین امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

خواب بسیار، دین و دنیا را می‌برد. (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۵، ص ۲۰۱)

احادیث گفته شده، نشان از ارزش وقت و استفاده از فرصت‌ها در آموزه‌های شیعه دارد.

تأکید بر کار و تلاش در پروتستان‌تیسیم، به عطشی بی‌وقفه در کسب سود منتهی می‌گردد. تأکید بر وقت نیز در همان جهت قابل درک است. در آموزه‌های تشیع، تأکید بر کار و تلاش بسیار زیاد است، ولی این تلاش مشروط به رعایت اصولی است و نوعی میانه‌روی را بر فرد واجب می‌کند. به همین دلیل، تأکید بر استفاده از وقت و فرصت‌های زندگی روزانه در همان چارچوب و اصول قابل درک است. از این‌رو، اگرچه در پروتستان‌تیسیم و تشیع تأکید زیادی به ارزش وقت شده، به علت تفاوت در نگرش به ماهیت کار و تلاش، تأکید بر ارزش وقت نیز ماهیتی متفاوت دارد.

ه) راست‌گویی

آموزه‌های شیعه با توصیه‌های فراوان درباره راست‌گویی به عنوان رکن مهم اخلاق و رفتار همراه است. با وجود این‌که این تأکیدات، همه حوزه‌های رفتار اجتماعی را شامل می‌گردد، تعدادی از احادیث به‌طور خاص راست‌گویی در کسب و کار و تجارت را توصیه کرده‌اند. برای مثال، پیامبر ﷺ فرمود:

هر کس مسلمانی را در خرید یا فروش فریب دهد، از ما (مسلمانان) نیست و روز قیامت، با جهودان محشور خواهد شد؛ زیرا آنان فریب‌کارترین مردمانند نسبت به مسلمانان. (حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۵، ص ۵۶۹)

بنابراین، دروغ‌گویی در تجارت، هم‌ردیف با خروج از دین تلقی شده است. امام صادق علیه السلام در پاسخ کسی که درباره کسب و تجارت سؤال کرده بود فرمودند:

بر تو باد راست‌گویی در سخن! و مبادا عیبی را که در کالای تو هست پنهان داری... درست بده و درست بستان که تاجر راست‌گو در روز قیامت، همراه با کاتبان (فرشتگان) بزرگوار نیکوکار خواهد بود. (همان، ص ۵۶۰)

مطابق این حدیث، راست‌گویی در تجارت، مقامی برابر با فرشتگان برای فرد به همراه می‌آورد. بر این اساس، آیین پروتستانیسم و مذهب تشیع، هر دو بر راست‌گویی تأکید می‌کنند و از این لحاظ دارای شباهت هستند.

و) منع گنج‌اندوزی

بر اساس اسناد موجود، هر دو مذهب پروتستان و تشیع، گنج‌اندوزی و انباشت ثروت را کد را مردود می‌دانند. برای مثال، پیامبر ﷺ می‌فرماید:

هر کس گنجی از خود بر جای گذارد، در روز قیامت برای او به صورت یک افعی پرزهر درمی‌آید که دو نقطه سیاه بر بالای دو چشم دارد و به دنبال او به راه می‌افتد. (زراندوز) به او می‌گوید: «ای وای، تو چه هستی؟» می‌گوید: «من گنج توام که پس از خود بر جای گذاشتی». (حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۴، ص ۲۴۲)

امام علی (ع) هم فرموده‌اند:

آن‌چه افزون بر چهار هزار (درهم) باشد، کنز (گنج) است، خواه زکات آن را داده باشد یا نه. (همان)

با این همه، در آیین پروتستانیسم نفی گنج‌اندوزی در کنار دیگر ویژگی‌های اخلاق اقتصادی آن، مسیری را هموار می‌کند که ثروت حاصل از کار دوباره وارد چرخه کسب و کار گردد، به ویژه این‌که پروتستانیسم به خصوص کالوین، با صدقه دادن به بیچارگان مخالف بود و در برخی متون این مذهب، گدایان را رذل‌های ولگرد یاد می‌کنند. (وبر، ۱۳۸۸، ص ۲۸۶)

در حالی که، آموزه‌های شیعی، راه‌کار مناسب برای جلوگیری از انباشت ثروت را کد، هم توصیه به سرمایه‌گذاری مجدد در کار است و هم انفاق و بخشش مال به تهی‌دستان و نیازمندان. مانند، آیه «قُلْ لِعِبَادِيَ الَّذِينَ آمَنُوا يُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَ

عَلَانِيَةً مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعُ فِيهِ وَلَا خِلَالٌ» (ابراهیم، آیه ۳۱)؛ «به آن بندگانم که ایمان آورده‌اند بگو: نماز را برپا دارند و از آنچه به ایشان روزی داده‌ایم، پنهان و آشکارا انفاق کنند، پیش از آن‌که روزی فرارسد که در آن نه داد و ستدی باشد و نه دوستی»، یا امام صادق علیه السلام فرمود:

کسی که مالک ده‌هزار درهم باشد، از شیعیان ما نیست، مگر آن کس که هماره و هماره انفاق کند. (حکیمی، همان، ج ۴، ص ۲۲۳)

در نتیجه، اگرچه پروتستان‌تیسیم و شیعه در آموزه‌های خویش با گنج‌اندوزی و انباشت ثروت را کد مخالف هستند، هر کدام راه‌کارهای متفاوتی در برخورد با ثروت را کد دارند. از یک طرف، توصیه به عدم انباشت ثروت را کد در آموزه‌های شیعه، باعث ایجاد حالتی می‌شود که در آن ثروت دوباره در کسب و کار استفاده گردد و از طرف دیگر، آموزه‌هایی چون انفاق، خمس و زکات، این سودهای حاصل را کنترل می‌کنند. لذا مطابق آموزه‌های شیعه، همه ثروت حاصل از فعالیت شغلی نمی‌تواند دوباره در حوزه کسب و کار به جریان افتد و از این جهت با پروتستان‌تیسیم تفاوت دارد.

ز) شعائر مذهبی در مورد کسب رحمت الهی

در آیین پروتستان، هیچ روش و وسیله‌ای برای کسب رحمت خدا و حصول اطمینان به رستگاری وجود ندارد و فرد پروتستان، تنها قادر است نشانه‌هایی از رستگاری را در حوزه فعالیت شغلی جست‌وجو کند. اما در تشیع، اعمال و شعائر و حتی ذکرهایی وجود دارد که بر اساس وعده‌های دین، فرد انجام دهنده آن‌ها موجبات رستگاری و کسب رحمت را فراهم می‌کند؛ مانند آیه «الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّى» (اللیل: ۱۸)؛ «همان که مال خود را می‌دهد [برای آن‌که] پاک شود». از این رو، مذاهب پروتستان و تشیع، درباره این شاخص با هم تفاوت قطعی دارند.

نتیجه

بر اساس یافته‌های پژوهش، مذاهب پروتستان و تشیع، از میان شاخص‌های هفت‌گانه استخراج‌شده از نظریه اخلاق پروتستانی وبر، در دو شاخص «پرهیز از تجمل‌گرایی» و «اعتقاد نداشتن به رستگاری از طریق شعائر مذهبی» تفاوت قطعی دارند. در چهار شاخص «تأکید بر کار و تلاش»، «تأکید بر صرفه‌جویی»، «ارزشمند بودن وقت» و «مخالفت با ثروت‌اندوزی راکد»، دارای تشابه موهوم هستند. در شاخص «تأکید بر راست‌گویی» نیز به هم شبیهند. از این‌رو، فرضیه تحقیق تأیید می‌گردد و اخلاق اقتصادی شیعه، با پروتستانیسم مورد نظر ماکس وبر منطبق نیست.

این فقدان انطباق، بیش‌تر به دلیل میانه‌روی و اعتدال‌دستگاه فکری شیعه در شاخص‌های کار کردن (و به تبع آن ارزش وقت و فرصت) و صرفه‌جویی است. در نظام فکری شیعه، انسان موجودی دوبُعدی (مادی و معنوی) است که هر دو بعد، در وضعیتی اعتدالی با هم دیگر قرار دارند. تأکید بر آراستگی و تجمل‌گرایی، رهنمون بر قائل بودن سروری و بزرگواری برای انسان در عرصه عمومی و خصوصی جامعه است؛ در حالی که پروتستانیسم، با مسخ کردن انسان در قالب ماشین تولید ثروت، در چارچوب یک نظام فکری تک‌بُعدی (مادی) به ظهور سرمایه‌داری «نوین» منتهی گشت.

فهرست منابع

۱. آقا جمال خوانساری، محمدبن حسین، شرح آقا جمال خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۶.
۲. ابن بابویه، محمدبن علی، الخصال، مترجم: یعقوب جعفری، ۲ جلد، تهران: نسیم کوثر، ۱۳۸۲.
۳. ابن بابویه، محمدبن علی، من لایحضره الفقیه، مترجم: علی اکبر غفاری، ۶ جلد، تهران: صدوق، ۱۳۶۷.
۴. بروجردی، حسین، منابع فقه شیعه (ترجمه جامع احادیث الشیعه)، مترجم: عده‌ای از فضلا، فرهنگ سبز، ۱۳۸۶ق.
۵. بلیکی، نورمن، طراحی پژوهش‌های اجتماعی، ترجمه: حسن چاوشیان، تهران: نشر نی، ۱۳۹۰.
۶. بیتس، دانیل و پلاگ، فرد، انسان‌شناسی فرهنگی، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: علمی، ۱۳۸۷.
۷. پاینده، ابوالقاسم، نهج‌النصاحه، مجموعه کلمات قصار حضرت رسول ﷺ، تهران: دنیای دانش، ۱۳۸۲.
۸. ترنر، برایان، ماکس وبر و اسلام، مترجم: سعید وصالی، تهران: نشر مرکز، ۱۳۹۰.
۹. حکیمی، محمدرضا و محمد و علی حکیمی، الحیاء، ترجمه: احمد آرام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰.
۱۰. ریگین، چارلز، روش تطبیقی فراسوی راهبردهای کمی و کیفی، ترجمه محمد فاضلی، تهران: نشر آگه، ۱۳۸۸.
۱۱. زومبارت، ورنر، یهودیان و حیات اقتصادی مدرن، ترجمه رحیم قاسمیان، تهران: نشر ساقی، ۱۳۹۰.
۱۲. سیدمن، استیون، کشاکش آرا در جامعه‌شناسی، ترجمه: هادی جلیلی، تهران: نشر نی، ۱۳۸۸.
۱۳. شریف الرضی، محمدبن حسین، نهج‌البلاغه، مترجم: علی نقی فیض‌الاسلام اصفهانی، ناشر: مؤسسه چاپ و نشر تألیفات فیض‌الاسلام، ۱۳۷۹.
۱۴. شیخ‌حر عاملی، محمدبن حسن، جهاد النفس و سائل الشیعه، مترجم: علی افراسیابی نهاوندی، تهران: نشر نهاوندی، ۱۳۸۰.
۱۵. طبرسی، حسن‌بن‌فضل، مکارم‌الاخلاق، مترجم: سید ابراهیم میر باقری، تهران: نشر فراهانی، ۱۳۶۵.
۱۶. فوزی، یحیی، «مذهب و توسعه در ایران: بررسی سه دیدگاه پس از انقلاب اسلامی ایران»، پژوهش‌نامه متین، بهار، ش ۲، ص ۲۰۵-۲۲۰، سال ۱۳۷۸.

۱۷. فیض کاشانی، محمدبن شاه مرتضی، *راه روشن* (ترجمه کتاب المحجه البيضاء فی تهذیب الاحیاء)، مترجم: محمدصادق عارف، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲.
۱۸. قضاعی، محمدبن سلامت، *شرح فارسی شهاب‌الخبار* (کلمات قصار پیامبر خاتم‌الصلوات)، محقق و مصحح: جلال‌الدین حسینی ارموی، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۱.
۱۹. کامپنهود، لوک وان و کیوی، ریمنون، *روش تحقیق در علوم اجتماعی*، ترجمه: عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: نشر توتیا، ۱۳۷۶.
۲۰. کرایب، یان، *نظریه اجتماعی کلاسیک*، ترجمه شهناز مسمی پرست، تهران: آگه، ۱۳۹۱.
۲۱. گسل، فیلیپ، *چکیده آثار آنتونی گیدنز*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: ققنوس، ۱۳۸۳.
۲۲. کلینی، محمدبن یعقوب، *فروع کافی*، ۱۰ جلد، مترجم: گروه مترجمان، تهران: نشر قدس، ۱۳۸۸.
۲۳. کیتاگاوا، جوزف، «تأملاتی درباره اخلاق کار در ادیان آسیای شرقی»، ترجمه: سیداحمد موثقی، کار و جامعه، فروردین و اردیبهشت، ش ۳۰، سال ۱۳۷۸.
۲۴. گلدتورپ، جی.ای، *جامعه‌شناسی کشورهای جهان سوم*، ترجمه: جواد طهوریان، تهران: آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰.
۲۵. گیدنز، آنتونی، *جامعه‌شناسی*، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: نشر نی، ۱۳۸۵.
۲۶. مجلسی، محمدباقر، *مواعظ امامان* (ترجمه جلد ۷۵ بحار الانوار)، مترجم: موسی خسروی، تهران: اسلامیة، ۱۳۶۴.
۲۷. _____، *ایمان و کفر*؛ (ترجمه کتاب الایمان و الکفر بحار الانوار جلد ۶۴)، ترجمه: عزیز الله عطاردی، تهران: عطارد، ۱۳۷۸.
۲۸. مجلسی، محمدتقی، *لوامع صاحب‌قرانی مشهور به شرح فقیه*، ناشر: مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۱۴ق.
۲۹. مجلسی، محمد باقر، *آداب و سنن - ترجمه جلد شانزدهم بحار الانوار*، مترجم: محمدباقر کمره‌ای، تهران: اسلامیة، ۱۳۶۵.
۳۰. وبر، ماکس، *دین، قدرت، جامعه*، ترجمه احمد تدین، تهران: هرمس، ۱۳۹۲.
۳۱. _____، *اخلاق پروتستانی و روح سرمایه‌داری*، ترجمه: مرتضی ثاقب فر، تهران: جامی، ۱۳۸۸.
۳۲. ویلم، ژان پل، *جامعه‌شناسی ادیان*، ترجمه: عبدالرحیم گواهی، تهران: نشر علم، ۱۳۸۶.
۳۳. هاشمی خویی، میرزا حبیب‌الله، *منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه*، مترجم: حسن حسن‌زاده آملی و محمدباقر کمره‌ای، ۲۱ جلد، ناشر: مکتبه الإسلامیة، ۱۴۰۰ق.

۳۴. همیلتون، ملکم، *جامعه‌شناسی دین*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر ثالث، ۱۳۹۰.
۳۵. هملین، آلن، *اخلاق و اقتصاد*، ترجمه خاکباز و هاشمی، تهران: مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۸۶.
۳۶. بین، رابرت‌کی، *تحقیق موردی*، ترجمه: علی پارسائیان و سیدمحمد اعرابی، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۷۶.
36. Baldacchino, Jean-Paul. (2012), "Markets of piety and pious markets: the Protestant ethic and the spirit of Korean capitalism"; *Social Compass*, September 2012; vol. 59, 3: pp. 367-385.
37. Ragin, Charles C. (1994), 'Constructing Social Research: The Unity and Diversity of Method', Pine Forge Press.